

مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز
دوره بیست و پنجم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۵ (پیاپی ۴۹)
(ویژه‌نامه علوم تربیتی)

مقایسه میزان دل‌بستگی به پدر، مادر و دوستان در گروهی از دانش‌آموزان مقطع
راهنمایی شهر شیراز

دکتر سیامک سامانی*
دانشگاه شیراز

چکیده

هدف این پژوهش بررسی و مقایسه‌ی دختران و پسران نوجوان در میزان دل‌بستگی عاطفی به پدر، مادر و دوستان بود. گروه نمونه‌ی مورد مطالعه در این پژوهش شامل ۴۰۱ نفر (۱۹۸ دختر و ۲۰۳ پسر) دانش‌آموز ۱۲ تا ۱۵ ساله بود که به شیوه‌ی خوشه‌ای تصادفی انتخاب شده بودند. ابزار مورد استفاده در این پژوهش یک مقیاس ۲۴ پرسشی مدرج پنج نمره‌ای بود. این مقیاس دربر دارنده‌ی سه عامل دل‌بستگی به مادر، دل‌بستگی به پدر و دل‌بستگی به دوستان بود. ضریب اعتبار این مقیاس به شیوه‌ی بازآزمایی برابر ۰/۷۵ بود. نتایج این بررسی گویای تفاوت معنی‌دار دختران و پسران از دید دل‌بستگی به مادر، پدر و دوستان بود. همچنین نتایج این مطالعه نشان داد که میان گروه‌های سنی مختلف در دل‌بستگی به مادر و دوستان تفاوت معنی‌داری وجود دارد. همچنین نتایج این مطالعه گویای افزایش دل‌بستگی به دوستان همراه با افزایش سن بود. از سوی دیگر بیشترین میزان دل‌بستگی در گروه مورد مطالعه به ترتیب در مورد مادر، پدر و دوستان دیده شد. همچنین نتایج این مطالعه گویای تعامل معنی‌دار میان متغیرهای سن، جنسیت و نوع منبع دل‌بستگی بود.

واژه‌های کلیدی: ۱. تئوری دل‌بستگی ۲. همبستگی خانوادگی ۳. گروه همسالان

۱. مقدمه

کودک و نوجوان در جریان تحول به منابع مختلفی احساس دل‌بستگی و تعلق می‌کند. در آغاز

* استادیار بخش روانشناسی تربیتی

تولد، نوزاد به عنوان موجودی نیازمند در آغوش مادر قرار می‌گیرد و در همین دوران احساس دلبستگی ویژه‌ای میان او و مادرش به وجود می‌آید. در جریان رشد کودک به تدریج با دیگر اعضای خانواده‌ی خود احساس همدلی پیدا می‌کند و بیشتر گرایش دارد تا در حضور افراد غریبه به والدین خود نزدیک شود. در جریان رشد دامنهی این احساس علاقه و دلبستگی به دیگر افراد از جمله معلم، و دوستان گسترش می‌یابد (ماسن^۱، ۱۹۸۷). مفروضات تئوری دلبستگی در نظریه (بالبی^۲، ۱۹۶۹؛ به نقل از استنبرگ، ۲۰۰۲) نیز مؤید همین نظر است که تعامل و گرایش فرد به دیگران با کسی که از او مراقبت می‌کند آغاز می‌گردد و در فرایند تحول، دامنهی این تمایل به دیگران گسترش می‌یابد (انسورس^۳، ۱۹۸۹). طرفداران نظریه‌ی یادگیری اجتماعی نیز در فرایند یادگیری الگوهای رفتاری از منابع مختلف، معتقد به همین شیوه‌ی گسترش دامنهی تعاملات کودک می‌باشند (برودی، استونمن و گایگر^۴، ۱۹۹۶).

از همان آغاز تولد، خانواده نقشی بسیار مهم در تحول کودک و نوجوانان بازی می‌کند و ظرفیت‌های ویژه‌ای را در کودک و نوجوان به وجود می‌آورد، که این ظرفیت‌ها او را در سازگاری هر چه بیشتر با خود و محیط پیرامون یاری می‌دهد (کاسیدی و شاور^۵، ۱۹۹۹). کیمل و اروینگ^۶ (۱۹۹۵) معتقدند خانواده نقش بسزایی در پرورش اجتماعی کودک دارد و در این راستا روابط اولیه‌ی والدین و فرزندشان از اهمیت زیادی برخوردار است. رابطه‌ی کودک و همسالان نیز زمینه‌ی مطلوبی برای یادگیری مهارت‌های اجتماعی فراهم می‌آورد. همسالان می‌توانند نقش منبع اطلاعات، تقویت کنندگی و ارائه دهنده‌ی الگوهای اجتماعی داشته باشند (ماسن، ۱۹۸۷). لاد و همکاران^۷ (۱۹۹۶) نیز معتقدند که دوستان منبعی بسیار مناسب برای کسب مفاهیم شناختی و عاطفی و الگویی بی‌نظیر برای گسترش دامنهی تعامل اجتماعی کودک می‌باشند.

نوجوانان بیشتر پدر، مادر، همسالان و یا گاهی معلم خود را به عنوان الگوی زندگی، محرم اسرار و یا نزدیک‌ترین فرد به خود انتخاب می‌کنند و به آن‌ها گرایش می‌یابند. میزان این گرایش به والدین و یا دوستان به بافت خانوادگی و ویژگی‌های روانی تحولی فرد بستگی دارد (گاوین و فورمر^۸، ۱۹۹۶). تمایل و گرایش فرد به همسالان به ویژه در نوجوانی بیشتر موجب نگرانی‌هایی در والدین می‌گردد. براساس تحقیقات گیکس و سف (۱۹۹۰) عامل این نگرانی‌ها: الف) از دست رفتن قدرت کنترل والدین بر نوجوان و ب) ترس از سلامت و امنیت نوجوان در اثر افزایش تمایل به استقلال می‌باشد. اسمال، کورنیلوس و استمن^۹ (۱۹۸۳) نیز در پژوهش خود نشان دادند که در اوایل نوجوانی میزان فشار روانی والدین افزایش می‌یابد. این پژوهشگران نیز احساس استقلال، نپذیرفتن نصایح والدین از سوی نوجوان و بروز رفتار انحرافی را از عوامل اصلی این افزایش فشار روانی در والدین عنوان می‌کنند. پژوهشگران مختلف تمایل و دلبستگی به دوستان را در سنین نوجوانی امری ضروری در فرایند رشد بر می‌شمارند (مایسل و همکاران^{۱۰}، ۱۹۹۸؛ سامانی، ۱۳۸۵) و آن را زمینه ساز یادگیری

مهارت‌های مختلف معرفی می‌کنند.

در رابطه با دلبستگی به والدین و دوستان، شمار زیادی از پژوهشگران به مقایسه‌ی دختران و پسران در سنین مختلف پرداخته‌اند. به طور نمونه پترسون و همکاران^{۱۱} (۱۹۹۴) در بررسی خود نشان دادند که دختران در مقایسه با پسران، با مادر خود تعامل بیشتری داشتند و پسران نیز با پدر و همسالان خود احساس دلبستگی بیشتری می‌کردند. مطالعه‌ی مایلس و همکاران (۱۹۹۸) و سامانی (۱۳۸۵) نیز گویای آن بود که نوجوانان در مقایسه با پدر و مادر احساس همدلی بیشتری با همسالان همجنس خود دارند. نتایج مطالعه‌ی جوکار (۱۳۷۹) نیز گویای آن بود که پسران در مقایسه با دختران احساس همبستگی بیشتری با پدر خود می‌کنند اما میان احساس همبستگی دختران و پسران به مادر تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. رضویه و سامانی (۱۳۷۹) نیز در مطالعه‌ی خود نشان دادند که نوجوانان در مقایسه با پدر به مادر خود احساس همبستگی و همدلی بیشتری دارند.

در مورد نوع ارتباط متغیر سن و احساس دلبستگی نیز نتایج بیشتر پژوهش‌ها گویای رابطه‌ی منفی میان این دو متغیر است. فلدمن و گهرینگ^{۱۲} (۱۹۸۸) و پترسون و همکاران (۱۹۹۴) نیز در مطالعه‌ی خود به رابطه‌ی منفی متغیر سن و احساس همبستگی اشاره دارند. ول، لنسن و آما (۲۰۰۰) و جوکار (۱۳۷۹) نیز در مطالعه‌ی خود نشان دادند که میان گروه‌های مختلف سنی در نوع ارتباط با والدین تفاوت معنی‌داری وجود دارد. فاهرمن و هلمبک^{۱۳} (۱۹۹۵) نیز در پژوهش خود به رابطه‌ی منفی میزان دلبستگی به والدین و سن اشاره دارند.

عمده‌ترین پرسش این پژوهش این است که میزان دلبستگی نوجوانان به کدامیک از منابع دلبستگی مورد مطالعه (پدر، مادر و دوستان) بیشتر است. در راستای این پرسش هدف از پژوهش حاضر نیز بررسی و مقایسه‌ی میزان دلبستگی گروهی از نوجوانان به پدر و مادر و دوستان می‌باشد.

۲. روش

نمونه‌ی مورد مطالعه در این پژوهش شامل ۴۰۱ نفر (۱۹۷ دختر و ۲۰۴ پسر) دانش آموز ۱۲ تا ۱۵ ساله بود که به شیوه‌ی خوشه‌ای تصادفی از مدارس راهنمایی شهر شیراز انتخاب شدند. جدول شماره ۱ نشانگر ترکیب گروه نمونه از دید سن و جنسیت می‌باشد.

جدول ۱: ترکیب سنی و جنسی گروه نمونه

گروه سنی				جنسیت
۱۵ ساله	۱۴ ساله	۱۳ ساله	۱۲ ساله	
۳۶	۴۰	۵۴	۶۷	دختران
۵۴	۵۵	۶۵	۳۰	پسران

برای گردآوری اطلاعات از یک پرسشنامه‌ی ۲۴ پرسشی مدرج پنج نمره‌ای (از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) استفاده شد. محتوای پرسش‌های این پرسشنامه بر اساس مطالعه‌ی ادبیات تحقیق و تئوری‌های طرح شده در زمینه‌ی همبستگی و دل‌بستگی با خانواده و گروه همسالان تهیه گردید. نتایج تحلیل عاملی به شیوه‌ی مولفه‌های اصلی و چرخش واریماکس بر روی پرسش‌های این پرسشنامه گویای وجود سه عامل دل‌بستگی به مادر، دل‌بستگی به پدر و دل‌بستگی به دوستان بود. ارزش ویژه این عوامل به ترتیب برابر ۴/۴۴، ۳/۸۴ و ۲/۸۲ و درصد واریانس قابل تبیین به وسیله‌ی این سه عامل برابر با ۴۶/۳ درصد بود. جدول شماره ۲ نشانگر ارزش ویژه، درصد واریانس هر عامل و ضریب آلفا برای هر یک از عوامل موجود در پرسشنامه می‌باشد. باید یادآور شد که محتوای این پرسشنامه بر اساس ادبیات موجود در زمینه‌ی موضوع دل‌بستگی تهیه و طراحی گردید.

جدول ۲: ارزش ویژه، درصد واریانس و ضریب آلفا در عوامل

عامل	ارزش ویژه	درصد واریانس	ضریب آلفا
دل‌بستگی به مادر	۴/۴۴	۱۸/۵	۰/۷۸
دل‌بستگی به پدر	۳/۸۴	۱۶/۰	۰/۷۹
دل‌بستگی به دوستان	۲/۸۲	۱۱/۸	۰/۷۰

برای بررسی همسانی درونی هر یک از عوامل استخراج شده از پرسشنامه‌ی مورد استفاده در این پژوهش از روش آلفای کرنباخ استفاده شد که این ضریب برای عوامل دل‌بستگی به مادر، دل‌بستگی به پدر و دل‌بستگی به دوستان به ترتیب برابر ۰/۷۸، ۰/۷۹ و ۰/۷۰ بود. همچنین برای بررسی اعتبار پرسشنامه‌ی مورد نظر، به روش آزمون _ بازآزمایی با فاصله‌ی زمانی دو هفته بر روی ۳۰ نفر از دانش آموزان که به طور جدا از گروه نمونه انتخاب شده بودند اقدام شد. این ضریب برای کل آزمون برابر با ۰/۷۵ بود.

در مورد نحوه‌ی اجرا و جمع‌آوری اطلاعات نیز ذکر این مطلب ضروری است پرسشنامه به وسیله‌ی مجری طرح و به صورت گروهی (در کلاس) بر روی گروه نمونه اجرا شد.

۳. یافته‌ها

برای بررسی و مقایسه‌ی دختران و پسران در گروه‌های سنی مختلف در میزان احساس دل‌بستگی به مادر، پدر و دوستان و مطالعه‌ی تعامل این متغیرها از روش تحلیل واریانس چند متغیره (MANOVA) استفاده شد. در این تحلیل، دو متغیر جنسیت و سن به عنوان متغیر مستقل و میزان دل‌بستگی به مادر، پدر و دوستان به عنوان اندازه‌ها و یا متغیر وابسته معرفی گردید. در این تحلیل متغیر جنسیت دارای دو سطح، گروه‌های سنی دارای چهار سطح و میزان دل‌بستگی دارای سه اندازه‌ی

_____ مقایسه میزان دل بستگی به پدر، مادر و دوستان در گروهی از دانش آموزان ... / ۱۰۳

مختلف بود.

جدول شماره ۳ نشانگر میانگین دختران و پسران در گروه‌های سنی مختلف در دل بستگی به مادر، پدر و دوستان می‌باشد.

جدول ۳: میانگین میزان دل بستگی بر اساس سن و جنسیت

گروه	سن	دل بستگی به مادر	دل بستگی به پدر	دل بستگی به دوستان
دختران	۱۲	۳۴/۶	۲۴/۹	۲۲
	۱۳	۳۵/۵	۲۴/۳	۱۸/۴
	۱۴	۳۲/۱	۲۳/۱	۲۰
	۱۵	۲۹/۷	۱۹/۳	۲۲/۹
	کل	۳۳/۴	۲۳/۳۸	۲۰/۸
پسران	۱۲	۳۱/۵	۳۰	۲۱
	۱۳	۲۷/۸	۲۷/۶	۲۱/۹
	۱۴	۲۷/۹	۲۷/۸	۲۲/۲
	۱۵	۲۸	۲۷/۱	۲۴/۲
	کل	۲۸/۴	۲۷/۸	۲۲/۸

نتایج تحلیل واریانس چندمتغیره در مورد جنسیت، سن و دل بستگی در جداول شماره ۴، ۵ و ۶ ارائه شده است.

جدول ۴: نتایج تحلیل واریانس چند متغیره در مورد اثرات اصلی جنسیت و سن و تعامل آن‌ها

منابع واریانس	مجموع مربعات	درجه‌ی آزادی	میانگین مربعات	P<
جنسیت	۲۴۷/۷	۱	۲۴۷/۷	۰/۰۱۳
سن	۶۱۶/۵۴	۳	۲۰۵/۵۱	۰/۰۰۲
سن X جنسیت	۳۱۷/۰۹	۳	۱۰۵/۷	۰/۰۵
خطا	۱۵۷۵۰/۵۶	۳۹۲	۴۰/۱۸	

جدول ۵: نتایج تحلیل واریانس چند متغیره در مورد اثر اندازه‌ها (دل بستگی) و تعامل آن‌ها با

جنسیت و سن

منابع واریانس	مجموع مربعات	درجه‌ی آزادی	میانگین مربعات	P<
اندازه‌ها	۱۵۶۴۳/۶۳	۲	۷۸۲۱/۸۲	۰/۰۰۱
جنسیت X اندازه‌ها	۴۱۱۵/۰۲	۲	۲۰۵۷/۵۱	۰/۰۰۱
سن X اندازه‌ها	۱۵۹۴/۳۲	۶	۴۶۵/۷۲	۰/۰۰۱

سن × جنسیت × اندازه‌ها	۷۴۰/۷۷	۶	۱۲۳/۴۶	۰/۰۰۱
خطا	۲۵۸۸/۱۰	۷۸۴	۳۳/۰۱	

× منظور از اندازه‌ها در جداول ۵ و ۶ نمره‌ی دل‌بستگی به پدر، مادر و دوستان می‌باشد.

جدول ۶: نسبت اثر ویلکز^{۱۴} در مورد اندازه‌ها و تعامل دو متغیر سن و جنسیت با آن‌ها

منابع	اثر ویلکز	درجه آزادی	P<
اندازه‌ها	۰/۴۶	۲،۳۹۱	۰/۰۰۱
جنسیت × اندازه‌ها	۰/۹۳	۲،۳۹۱	۰/۰۰۱
سن × اندازه‌ها	۰/۹۱	۶،۷۸۲	۰/۰۰۱
جنسیت × سن × اندازه‌ها	۰/۹۵	۶،۷۸۲	۰/۰۰۹

همان‌گونه که از نتایج جدول شماره ۴ پیداست میان گروه‌های سنی مختلف دست‌کم در یکی از سه اندازه‌ی دل‌بستگی به مادر، پدر و دوستان تفاوتی معنی‌دار وجود دارد. همین موضوع درباره‌ی گروه‌های مختلف سنی و تعامل گروه‌های جنسیتی با گروه‌های سنی صدق می‌کند. برای روشن شدن تفاوت مشاهده شده میان گروه‌های جنسیتی و سنی مختلف از آزمون تی و آزمون تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شد. نتایج آزمون تی برای مقایسه‌ی دختران و پسران گویای تفاوت معنی‌دار این دو گروه در دل‌بستگی به مادر، پدر و دوستان بود (جدول شماره ۷).

جدول ۷: مقایسه‌ی دختران و پسران در دل‌بستگی به مادر، پدر و دوستان

دل‌بستگی به	میانگین پسران	میانگین دختران	مقدار t	P<
مادر	۲۸/۴	۳۳/۴	۸/۸۶	۰/۰۰۱
پدر	۲۷/۸	۲۳/۳۸	۷/۷۸	۰/۰۰۱
دوستان	۲۲/۸	۲۰/۸	۲/۹۴	۰/۰۰۵

× درجه آزادی=۳۹۹

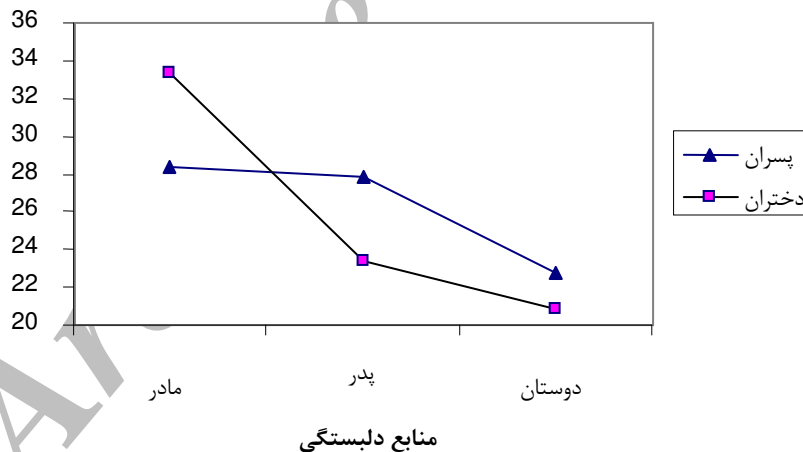
نتایج تحلیل واریانس یکطرفه و آزمون شفه نیز برای مقایسه‌ی گروه‌های سنی مختلف در دل‌بستگی به مادر، پدر و دوستان گویای آن بود که دختران و پسران ۱۲ ساله نسبت به دیگر گروه‌های سنی دل‌بستگی بیشتری به مادر خود دارند و همچنین نوجوانان ۱۳ ساله نیز در مقایسه با نوجوانان ۱۵ ساله دل‌بستگی بیشتری به مادر نشان می‌دادند ($P < 0/001$, $F(396,1) = 12/77$). نتایج تحلیل واریانس یکطرفه و آزمون شفه نیز برای مقایسه‌ی گروه‌های سنی مختلف در دل‌بستگی به پدر گویای عدم تفاوت معنی‌دار میان گروه‌های سنی مختلف در میزان دل‌بستگی به پدر بود.

_____ مقایسه میزان دل بستگی به پدر، مادر و دوستان در گروهی از دانش آموزان ... / ۱۰۵

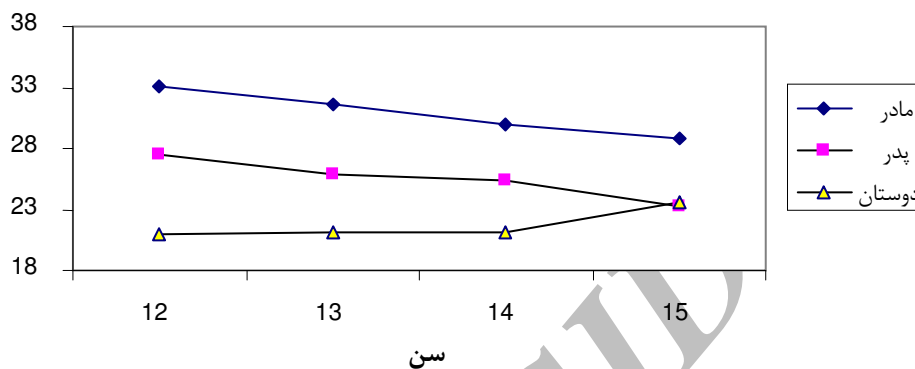
مقایسه‌ی میزان گرایش پسران و دختران به دوستان در گروه‌های سنی چهارگانه نیز نشان داد که نوجوانان ۱۵ ساله در مقایسه با نوجوانان ۱۳ ساله از دل بستگی بیشتری با دوستان برخوردار هستند ($F(3,96,3)=4/1, P<0/01$). همان گونه که از جدول شماره ۷ پیداست، دل بستگی به دوستان همراه با سن رو به افزایش است (هر چند گروه دختران ۱۲ ساله درمقایسه با دختران ۱۳ ساله دارای گرایش بیشتر به دوستان هستند، اما از سن ۱۳ سالگی به بعد شاهد نوعی افزایش گرایش به دوستان هستیم). به گونه‌ای که نوجوانان ۱۵ ساله بیشترین دل بستگی را به دوستان خود دارند.

نتایج آزمون تحلیل واریانس چند متغیره همچنین گویای آن بود که میان میزان دل بستگی به پدر، مادر و دوستان تفاوتی معنی‌دار وجود دارد (جدول شماره ۵). در این رابطه از آزمون اندازه گیری‌های مکرر یک طرفه استفاده شد. نتایج این تحلیل نیز گویای تفاوت معنی‌دار سه میانگین دل بستگی به مادر، پدر و دوستان بود، به این ترتیب که نوجوانان بترتیب به مادر، پدر و دوستان خود دل بستگی بیشتری دارند (دل بستگی به مادر=۳۰/۹، دل بستگی به پدر=۲۵/۶ و دل بستگی به دوستان=۲۱/۸).

نمودار ۱ و ۲ نیز به ترتیب بیانگر شیوه‌ی تعامل متغیر جنسیت با منبع دل بستگی (اندازه‌ها) و متغیر گروه سنی با اندازه‌ها است (نتایج جدول شماره ۶ نشانگر معنی‌داری تعامل متغیرها می‌باشد).



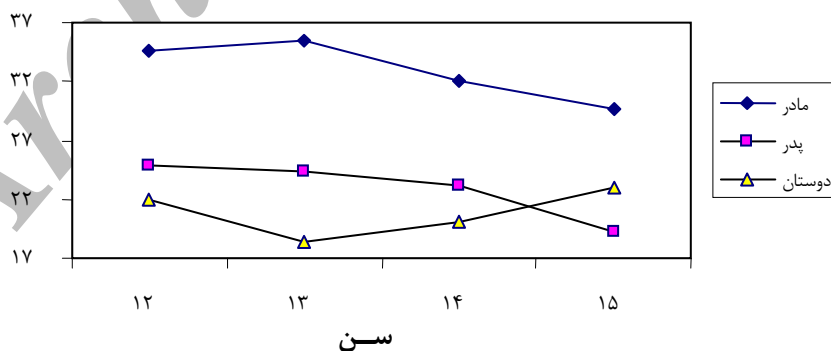
نمودار ۱: تعامل جنسیت و منابع دل بستگی



نمودار ۲: تعامل سن و منابع دل‌بستگی

برای بررسی و مطالعه‌ی تعامل سه طرفه‌ی جنسیت، سن و اندازه‌ها (منابع دل‌بستگی) در مورد هر یک از گروه‌های دختران و پسران به طور جداگانه آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره به عمل آمد (گروه سنی X اندازه‌ها).

نتایج تحلیل واریانس چندمتغیره گروه‌های سنی و منابع دل‌بستگی برای گروه دختران گویای تعامل معنی‌دار گروه‌های سنی با اندازه‌ها (منابع دل‌بستگی) بود ($F(3,82,6) = 1465/62, P < 0/001$). نسبت ویلکز نیز برای اثر تعاملی گروه‌های سنی و منابع دل‌بستگی به عنوان اندازه‌ها برابر ۸۴/۱ بود که در سطح $P < 0/001$ معنی‌دار بود. نمودار ۳ نشانگر شیوه‌ی تعامل متغیر گروه سنی با منابع دل‌بستگی در دختران است.

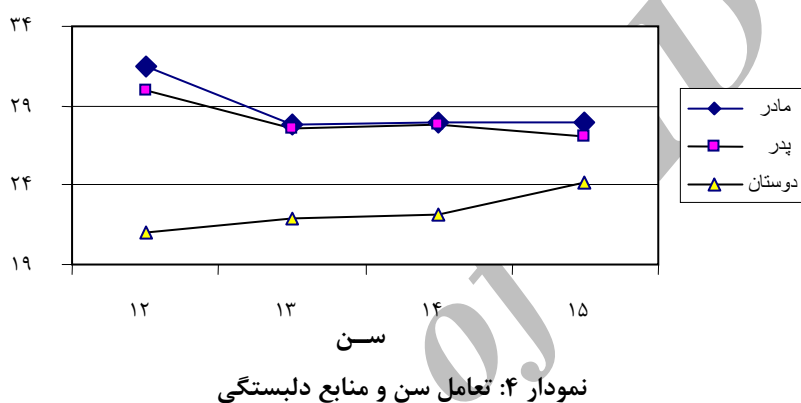


نمودار ۳: تعامل سن و منابع دل‌بستگی در دختران

همان‌گونه که از نمودار ۳ مربوط به دختران پیداست، تعامل متغیرهای گروه‌های سنی و اندازه‌ها

مقایسه میزان دل بستگی به پدر، مادر و دوستان در گروهی از دانش آموزان ... / ۱۰۷

در گروه‌های سنی ۱۴ سال و ۱۵ سال در میزان دل بستگی به پدر و دوستان وجود دارد. نتایج تحلیل واریانس چندمتغیره‌ی گروه‌های سنی و منابع دل بستگی برای گروه پسران گویای تعامل معنی دار گروه‌های سنی با اندازه‌ها (منابع دل بستگی) بود $[F(6,398)=2.81, P<0.011]$. مقدار ویلکز نیز برای اثر تعاملی گروه‌های سنی و منابع دل بستگی در گروه پسران برابر 0.93 بود. نمودار ۴ نشانگر نوع تعامل گروه‌های سنی و اندازه‌ها در گروه پسران می‌باشد.



نتایج تحلیل واریانس چند متغیره و نمودار ۴ تعامل چشم گیری را میان متغیر گروه‌های سنی و اندازه‌ها در پسران نشان نمی‌دهد. اما همان گونه که دیده می‌شود با افزایش سن دل بستگی به دوستان افزایش می‌یابد در حالی که میزان دل بستگی به مادر و پدر کاهش می‌یابد.

۴. بحث و نتیجه گیری

به طور کلی نتایج این پژوهش با نتایج بیشتر پژوهش‌ها هماهنگ بود. نتایج این مطالعه گویای آن بود که دختران در مقایسه با پسران دل بستگی بیشتری به مادر خود دارند و در عوض پسران نیز در مقایسه با دختران دل بستگی بیشتری به پدر و دوستان خود دارند. تفاوت معنی‌دار دل بستگی دختران و پسران به مادر در مطالعه‌ی جوکار (۱۳۷۹) دیده نشده است که احتمالاً به دلیل تفاوت گروه نمونه مورد مطالعه در این دو مطالعه در متغیر سن می‌باشد و یا به دلیل محدود بودن حجم گروه نمونه در مطالعه‌ی جوکار (۱۳۷۹) که خود به خود توان آزمون را کاهش می‌دهد (در این مطالعه محقق به مقایسه‌ی ۶۱ دختر با ۶۵ پسر می‌پردازد درباره‌ی این مطالعه یادکرد این نکته ضروری است که روش گردآوری اطلاعات انتخاب شده در این مطالعه از عمده ترین عوامل موثر بر کاهش حجم نمونه بوده است).

نتایج این پژوهش همچنین نشان داد که هم دختران و هم پسران بیشترین دل بستگی عاطفی را

با مادر، سپس پدر و در نهایت با دوستان خود دارند. این نتایج نیز همانند نتایج مطالعه‌ی جوکار (۱۳۷۹) و رضویه و سامانی (۱۳۷۹) گویای نقش مهم مادر در روابط عاطفی با فرزندان است. از سوی دیگر کاهش دلبستگی به پدر و مادر و افزایش دلبستگی به دوستان نیز با نتایج تحقیق گیکس و سف (۱۹۹۰) هماهنگ بود. این موضوع گویای بروز تغییراتی در نوع تمایلات و نیازهای نوجوان می‌باشد. تمایل به کسب استقلال از جمله‌ی این نیازها است که معمولاً موجب بروز مشکلاتی در نوع ارتباط نوجوان با خانواده و ایجاد نگرانی در والدین می‌گردد (گیکس و سف، ۱۹۹۰؛ سامانی، ۱۳۸۵). البته همانگونه که جوکار (۱۳۷۹) در مطالعه‌ی خود به آن اشاره می‌کند، بروز تمایل به استقلال در نوجوانی اساساً همراه با کاهش دلبستگی نسبت به والدین نمی‌باشد. طبق نظر ریان و لینچ^{۱۵} (۱۹۸۹) در این رابطه ظاهراً آن چه مهم است سبک رفتاری والدین در ارتباط با نوجوان می‌باشد. بدین معنا که والدین تا چه اندازه تمایل به استقلال را در نوجوان مجاز و منطقی می‌دانند. یا آن چنان که دارلینگ و استنبرگ^{۱۶} (۱۹۹۳) اشاره دارند این سبک‌های رفتاری والدین است که شیوه‌ی بروز تمایل به استقلال به عنوان یک تکلیف تحولی را در نوجوانی و میزان دلبستگی او را به منابع مختلف توجیه می‌کند.

تعامل دو متغیر جنسیت و منابع دلبستگی (نمودار ۱) نیز نشانگر آن است که دختران و پسران مادر خود را در مقایسه با پدر و دوستان به طور عمده‌تری به عنوان منبع دلبستگی خود قرار داده‌اند. نمودار ۱ نشانگر تعامل جنسیت و منابع دلبستگی می‌باشد. بدین گونه که دختران در مقایسه با پسران به مادر خود دلبستگی بیشتری دارند و در مقابل پسران در مقایسه با دختران به پدر و دوستان خود دلبستگی بیشتری دارند. همچنین همانند مطالعه‌ی جوکار (۱۳۷۹) نتایج این مطالعه نیز نشان داد که میزان اختلاف دلبستگی پسران به مادر و پدر در مقایسه با میزان اختلاف دلبستگی دختران با مادر و پدر کمتر می‌باشد.

بررسی نمودار ۲ که نشانگر تعامل دو متغیر گروه سنی و دلبستگی است، از سویی نشانگر کاهش تدریجی دلبستگی نوجوان به مادر و از سویی دیگر نشانگر افزایش میزان دلبستگی نوجوان به دوستان است. همان گونه که از نمودار ۲ پیداست، میزان دلبستگی نوجوان به پدر با افزایش سن تقریباً دارای روندی ثابت است و تغییرات چشم‌گیری در مقدار آن مشاهده نمی‌گردد. با وجود روند کاهنده‌ی دلبستگی نوجوان به والدین بویژه دلبستگی به مادر، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تا حدود سن ۱۵ سالگی هم چنان والدین به عنوان عمده‌ترین منبع دلبستگی برای نوجوان به حساب می‌آیند. این موضوع به خوبی نشانگر نقش پر اهمیت خانواده در برآورده کردن نیازهای عاطفی نوجوان است. پایدار ماندن جایگاه عاطفی خانواده برای نوجوان در کشور ما شاید به دلیل حمایت‌های مرسوم خانواده در امر تحصیل فرزندان باشد؛ چرا که در جامعه‌ی کنونی ما نوجوانان تا حدود سن ۱۸ سالگی و حتی گاهی تا سنین بالاتر هم چنان از حمایت عاطفی و مادی خانواده‌ی خود برخوردار هستند و این ممکن است باعث شود تا نوجوان به بهای کاهش نسبی استقلال فردی خود (البته نه لزوماً) همچنان دلبستگی خود

را با خانواده حفظ کند.

در رابطه با نمودار ۳ و ۴ که نشانگر تعامل دو متغیر گروه‌های سنی با منابع دل‌بستگی (مادر، پدر و دوستان) به ترتیب در گروه دختران و پسران است، شاهد تعامل بارزتر متغیر سن و منابع دل‌بستگی در گروه دختران در مقایسه با پسران بود. همان‌گونه که از نمودار شماره‌ی سه پیداست این تعامل در گروه سنی ۱۵ ساله‌ها است؛ به این ترتیب که میزان دل‌بستگی دختران تا قبل از سن ۱۵ سالگی به پدر در مقایسه با دوستان بیشتر است اما در این سن (۱۵ سالگی) میزان دل‌بستگی دختران به دوستان بیشتر از این میزان به پدر می‌باشد. نمودار ۴ نیز نشانگر نوع تعامل متغیر سن و منابع دل‌بستگی در گروه پسران است. در مقایسه با نمودار شماره سه نوع تعامل این دو متغیر در گروه پسران متفاوت از دختران است. در گروه پسران دل‌بستگی به مادر و پدر بعد از سن ۱۲ سالگی تقریباً روندی ثابت دارد ولی روند دل‌بستگی به دوستان همراه با بالا رفتن سن رو به افزایش است.

نکته‌ی مهم و اساسی در رابطه با این پژوهش اشاره به این مطلب می‌باشد که در این مطالعه، تنها پدر، مادر و دوست همجنس به عنوان منبع دل‌بستگی مورد مطالعه قرار گرفت و این در حالی است که نوجوان ممکن است منابع دیگری به غیر از این منابع را به عنوان منبع دل‌بستگی پذیرفته باشد. این موضوع را می‌توان از محدودیت‌های پژوهش از دید روش به شمار آورد؛ چرا که در نظر گرفتن منابع دیگر موجب طول شدن طول پرسشنامه می‌گردد.

در پایان چنین به نظر می‌رسد که بررسی رابطه‌ی نوع سبک‌های تربیتی با میزان دل‌بستگی به منابع مختلف و همچنین مطالعه‌ی رابطه‌ی میان میزان دل‌بستگی به منابع مختلف و شاخص‌های سازگاری در نوجوان و خانواده از اهمیتی ویژه برخوردار است.

یادداشت‌ها

- | | |
|-------------------------------|---|
| 1. Mussen | 2. Bowlby |
| 3. Anisworth | 4. Brody, Stoneman & Gauger |
| 5. Cassidy & Shaver | 6. Kimmel & Irving |
| 7. Ladd et al | 8. Gavin & Former |
| 9. Small, Cornelius & Eastman | 10. Mayseless et al |
| 11. Paterson et al | 12. Feldman & Gehring |
| 13. Fuhrman & Holmbeck | |
| 14. Willks | نسبت ویلکز نشانگر میزان واریانس قابل تبیین توسط متغیر مورد مطالعه می‌باشد |
| 15. Ryan & Lynch | 16. Darling & Steinberg |

منابع

الف. فارسی

جوکار، بهرام. (۱۳۷۹). بررسی ادراک نوجوانان از همبستگی و اقتدار در روابط خانوادگی. *مجله‌ی علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*. دوره‌ی پانزدهم، شماره‌ی یک.

رضویه، اصغر. سامانی، سیامک. (۱۳۷۹). مقایسه‌ی همبستگی عاطفی دختران و پسران به پدر و مادر. خلاصه مقالات چهارمین سمینار سراسری بهداشت روانی و اختلالات رفتاری کودکان و نوجوانان. دانشگاه علوم پزشکی زنجان.

سامانی، سیامک. (۱۳۸۵). همبستگی و استقلال عاطفی در دختران فراری از خانه. *مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی*. انستیتو روانپزشکی تهران. شماره سه.

ب. انگلیسی

Anisworth, M. D. (1989). *Attachment Beyond Infancy*. *American Psychologist*, 44, 709-716.

Brody, G., Stoneman, Z. and Gauger, K. (1996). *Parent-Child Relationships, Family Problem Solving Behavior and Sibling Relationship*. *Child Development*, 67, 1289- 1300.

Cassidy, J. and Shaver, P. R. (1999). **Handbook of Attachment: Theory, Research, and Clinical Applications**. New York: The Guilford Press.

Darling, N. and Steinberg, L. (1993). *Parenting Style as Context: An Integrative Model*. *Psychological Bulletin*, 113, 487-496.

Fahrman, T. and Holmbeck, G. N. (1995). *A Contextual Moderator Analysis of Emotional Autonomy and Adjustment in Adolescence*. *Child Development*, 66, 793-811.

Gecas, V. and Seff, M. A. (1990). *Family and Adolescents: A Review of the 1980s*. *Journal of Marriage and Family*, 52, 941-958.

Gavin, S. and Former, L. (1996). Adolescent Girls Relationships with Mothers and Best Friends. *Child Development*, 67, 375-386.

Kimmel, D. C. and Irving, I. B. (1995). **Adolescence: A Developmental Transition**. Second Edition. Inc, wiley.

Ladd, W., Kochender, F. B. and Coleman, C. (1996). *Friendship Quality as a Predictor of Young Childrens early School Adjustment*. **Child Development**. 67, 1113- 1118.

Mayseless, O., Wiseman, H. and Hai, I. (1998). *Adolescent's Relationships with Father, Mother and Friend*. **Journal of Adolescents Research**. 13, 101-123.

Mussen, P. (1987). **Longitudinal Study of the Life Span**. in: Eisenberg, N. (ED.), **Contemporary Topic in Developmental Psychologh**. New York: Wiley.

Peterson, J. E., Field, J., and Pryor, J. (1994). *Adolescents' Perceptions of Their Attachment Relationships with their Mothers, Fathers, and Friends*. **Journal of Youth and Adolescent**. 23, 579-600.

Ryan, R. M., and Lynch, J. H. (1989). *Emotional Autonomy Versus Detachment: Revisiting the Vicissitudes of Adolescence and Young Adulthood*. **Child Development**. 60, 340-356.

Small, S. A., Cornelius, S., and Eastman, G. (1983). *Parenting adolescent Children: A Period of Adult Storm and Stress?* in: Gecas, V., Seff, M. A. (Eds.), (1990). *Family and Adolescents: A Review of the 1980s*. **Journal of Marriage and Family**. 52, 941-958.

Wel, F., Linssen, H., and Abma, R.(2000). *The Parental Bond and The Well-Being of Adolescents and Young Adults*. **Journal of Youth and Adolescence**. 29, 307-355.